

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی و مقایسه رویکردهای مختلف پیشگیری از بزهکاری کودکان

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر عادل ساریخانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد علی حاجی ده آبادی

نگارنده:

صغرا افشاری

زمستان ۱۳۸۸

تقدیم تو صد هزار زین سان هیچ است

تقدیم به:

پدرم. اسطوره مهر و عطوفت

و مادرم. اسوه پاکی و صداقت

و به همسر مهربانم

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر عادل ساریخانی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از جناب آقای دکتر محمد علی حاجی ده آبادی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

چکیده:

بزهکاری اطفال یکی از معضلات مطرح در حوزه سیاست گذاری های اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و بهداشت روانی جامعه می باشد. جامعه ما نیز علی رغم برخورداری از فرهنگ و آداب سنن متعالی و پایبندی به اصول تربیتی اسلام و تلاش مسئولان در جهت از بین بردن زمینه های بزهکاری و هدایت کودکان از این عارضه اجتماعی مصون نبوده و روند روبه رشد آن محسوس و نگران کننده است. حساسیت این موضوع و تحقیق در این زمینه با توجه به در صد بالای کودکان و نوجوانان جامعه ما بیشتر است. همچنین با رشد تکنولوژی و تحولات رسانه ای انتقال زمینه های انحرافات اخلاقی و بزهکاری از جامعه ای به جامعه دیگر، از شهری به شهر دیگر بر پیچیدگی موضوع و دشواری مهار این مشکل بزرگ اجتماعی افزوده است. بر این اساس لزوم تحقیق و ریشه یابی و شناخت عوامل بروز این پدیده ضد اجتماعی و یافتن راههای پیشگیری و درمان آن و همچنین وضع مقررات مناسب در برخورد با آن پیش از پیش احساس می شود. در این پایان نامه برخی از گزینه های بهترین نتایج برای حل مشکل مزبور عبارتند از: با آموزش والدین، حمایت از خانواده ها از لحاظ اقتصادی، با گسترش صلاحیت ها و مهارت های اجتماعی می توان خانواده را به یک محیط مطلوب برای تربیت صحیح کودکان تبدیل نمود و با حمایت از خانواده ها و کودکان در معرض خطر نیز می توان از بزهکاری اطفال پیشگیری نمود. مهمترین و مؤثرترین آموزش بعد از محیط خانواده در محیط مدرسه و از سوی مربیان انجام می پذیرد. کانون اصلی راهکارهای اجتماعی پیشگیری از بزهکاری از طریق مدرسه، باید سیاست هایی باشد که موارد افت تحصیلی، رفتار اخلاص گرایانه و فرار از مدرسه و دیگر مشکلات رفتاری دانش آموزان را به حداقل برسانند. البته قابل ذکر است که سیستم آموزشی ما نیاز به تغییرات اساسی دارد. پلیس نیز می تواند با همکاری در مدارس هم به کودکانی که در خانواده های سالم به سر می برند و هم به کودکان در معرض خطر کمک نماید و باعث پیشگیری از بزهکاری اطفال شود.

کلید واژه: پیشگیری اجتماعی، پیشگیری رشد مدار و پیشگیری پلیسی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه:
۱	الف : بیان مسأله
۴	ب : سوال تحقیق
۴	ج : فرضیات
۴	د : انگیزه و اهداف تحقیق
۵	ه : سابقه تحقیق
۵	و : مشکلات و موانع
۶	ز : روش تحقیق
۷	فصل اول : کلیات
۸	مبحث اول : واژه شناسی و مفاهیم
۸	گفتار اول : مفهوم طفل
۸	الف : مفهوم لغوی طفل
۸	ب : مفهوم اصطلاحی طفل
۱۱	ج : مفهوم طفل در قوانین داخلی
۱۳	د : مفهوم طفل در قوانین خارجی
۱۴	گفتار دوم : مفهوم پیشگیری
۱۴	الف : مفهوم لغوی پیشگیری
۱۴	ب : مفهوم اصطلاحی پیشگیری
۱۶	۱ . مفهوم موسع پیشگیری
۱۶	۲ . مفهوم مضیق پیشگیری
۱۸	مبحث دوم : تاریخچه اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان

گفتار اول : بررسی تاریخچه اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان در حقوق

۱۸

خارجی

گفتار دوم : بررسی تاریخچه اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان

۳۱

در حقوق ایران

۳۱

الف : از تدوین قانون اساسی ۱۲۷۵ ه.ش تا انقلاب اسلامی

۳۲

ب : از انقلاب اسلامی تا کنون

۳۴

مبحث سوم : پیشگیری از جرم

۳۴

گفتار اول : بررسی انواع پیشگیری از جرم

۳۴

الف : پیشگیری بر اساس الگوی پزشکی

۳۵

ب : پیشگیری کنشی

۳۵

۱- پیشگیری اجتماعی

۳۸

۲- پیشگیری وضعی

۳۹

ج : پیشگیری مزمن (پیشگیری زودرس)

۳۹

د : پیشگیری پلیسی

۴۱

گفتار دوم : قوانین و مقررات ناظر به پیشگیری از بزهکاری کودکان

۴۱

الف : قانون اساسی

۴۵

ب : قوانین عادی

فصل دوم : بررسی و مقایسه رویکردهای مختلف پیشگیری از بزهکاری

۵۵

کودکان

۵۶

مبحث اول : رویکرد پیشگیری اجتماعی

۵۶

گفتار اول : انواع پیشگیری اجتماعی

۵۷

الف : پیشگیری اجتماعی جامعه مدار

۵۷

ب : پیشگیری اجتماعی رشد مدار

گفتار دوم: شیوه های پیشگیری اجتماعی مؤثر در پیشگیری از بزهکاری کودکان

۵۸	و نوجوانان
۵۸	الف: پیشگیری جامعه مدار
۵۸	۱- پیشگیری از طریق خانواده
۷۴	۲- پیشگیری از طریق برنامه آموزشی پیش دبستانی
۷۵	۳- پیشگیری از طریق مدرسه (آموزش و پرورش)
۹۱	۴- پیشگیری از طریق برنامه ریزی برای اوقات فراغت کودکان و نوجوانان
۹۲	۵- پیشگیری از طریق گروه همسالان
۹۳	۶- پیشگیری از طریق تأمین نیازهای مادی و معنوی
۹۳	۷- پیشگیری از طریق تأمین محل و مسکن مناسب
۹۴	۸- پیشگیری از طریق تربیت مذهبی
۹۵	۹- پیشگیری از طریق رسانه های گروهی
۱۰۰	۱۰- پیشگیری از طریق تدوین قوانین خاص کودکان
۱۰۱	۱۱- پیشگیری از طریق ایجاد نهادی ویژه برای کودکان
۱۰۲	۱۲- پیشگیری از طریق ایجاد کمیته ها و شوراها
۱۰۳	۱۳- پیشگیری از طریق آموزش مهارت های زندگی
۱۰۶	ب: پیشگیری رشد مدار (پیشگیری زودرس)
۱۰۶	۱- ویژگی های پیشگیری رشد مدار:
۱۱۰	۲- محورهای پیشگیری رشد مدار:
۱۱۹	گفتار سوم: بررسی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری زودرس (پیشگیری رشد مدار)
۱۱۹	الف: اهداف پیشگیری اجتماعی و زودرس
۱۱۹	ب: شباهت پیشگیری رشد مدار و پیشگیری اجتماعی
۱۲۰	ج: روش های پیشبرد پیشگیری اجتماعی
۱۲۱	د: ارزیابی پیشگیری رشد مدار

۱۲۲	و: ارزیابی پیشگیری اجتماعی
۱۲۳	مبحث دوم: رویکرد پیشگیری پلیسی و پیشگیری از بزهکاری کودکان
۱۲۴	الف: عمل به عنوان مربی و الگو
۱۲۴	ب: پیشگیری از بزهکاری از طریق مدارس
۱۲۴	ج: فعالیت مأموران پلیس به عنوان آموزش دهنده
۱۲۷	د: تأسیس پلیس خاص کودکان
۱۲۸	و: طرح همیار پلیس
۱۲۹	نتیجه گیری
۱۳۱	پیشنهادات
۱۳۳	فهرست منابع

مقدمه :

بزهکاری یک پدیده زیستی، اجتماعی و روانی است که برای پیشگیری از آن اتخاذ تدابیر همه جانبه از سوی جامعه ضروری می نماید به ویژه در مورد اطفال و نوجوانان که به لحاظ وضعیت خاص روحی و جسمی، علاوه بر اعمال تدابیر پیشگیرانه، می بایست در یک اقدام گسترده، مقدم بر بزرگسالان قرار گیرند و به ویژه توجه خاص به اطفال و نوجوانان باید هنگامی گسترش یابد که طفل در معرض خطر قرار می گیرد.

امروزه مسأله بزهکاری نوجوانان و جوانان به صورت یکی از حادثترین مسایل اجتماعی جوامع مختلف در آمده است. پیدایش جوامع و ارتکاب جرم از آغاز با یکدیگر همراه بوده اند. زیرا از روزی که افراد دور هم جمع شده و تشکیل جامعه داده اند جرم نیز با آنان همراه شده و گسترش یافته است. رسوخ بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان که سازندگان اجتماع فردا هستند و ریشه دار شدن آن موجب بیم و نگرانی بیشتر شده است.

ازدیاد جرایم اطفال و نوجوانان در جوامع کنونی را نمی توان ناشی از یک یا دو علت خاص دانست بلکه علل و عوامل متعددی هستند که می توانند منجر به بروز این پدیده گردند. که در این میان عوامل مهمی همچون از هم گسستگی خانواده، عدم تأمین نیازهای عاطفی و روانی کودک و نوجوان از سوی والدین، فقر، اختلالات روانی، اثرات وسایل ارتباط جمعی، تراکم جمعیت و توسعه بدون نظارت شهرها و فقر فرهنگی و غیره ... را می توان در این راه مؤثر دانست.

الف : بیان مسأله

یکی از مهمترین مسایلی که امروزه ذهن جوامع را به خود مشغول نموده است ازدیاد جرایم اطفال و نوجوانان می باشد. تحقیقات نشان داده است که برخورد با کودکان بزهکار تأثیر بسیار کمی در تکرار جرم از سوی آنان دارد و اغلب کودکان بزهکار بعد از اصلاح و بازپروری دوباره

مرتکب جرم شده اند. پیشگیری کیفری نمی تواند در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار اثر اصلاحی و اربابی داشته باشد پس باید سعی شود تا کودکان و نوجوانان در شرایط مطلوب و مساعدی پرورش یابند و در صورت در معرض خطر قرار گرفتن از آنان حمایت به عمل آید. در قانون اساسی پیشگیری از وقوع جرم به طور کلی مد نظر قرار گرفته است که شامل پیشگیری از جرایم کودکان و نوجوانان نیز می شود. در قوانین عادی نیز موادی پیشگیری اولیه و موادی نیز پیشگیری ثانویه از جرایم کودکان را مد نظر قرار داده اند.

پیشگیری اجتماعی می تواند مهمترین رویکرد برای پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به شمار آید، باید برنامه ها و اقداماتی انجام گیرد تا هم محیط جامعه و مهم تر از آن محیط خانواده محیط مطلوب و مناسبی برای سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی باشد. در بعضی از مواقع شرایط برای پرورش یک کودک مطلوب نمی باشد و بنابر عواملی کودک و نوجوان در معرض خطر قرار می گیرد و احتمال ارتکاب جرم از سوی او بالا می رود در این صورت نیازمند اقداماتی حمایتی می باشد و پیشگیری ثانویه یا زودرس می تواند شرایط و عوامل خطر را از او دور کرده و درگیری او را در بزهکاری به حداقل برساند.

پیشگیری اجتماعی در واقع در صدد از بین بردن زمینه وقوع جرم می باشد. در پیشگیری اجتماعی شیوه های مختلفی مطرح می شود که هر کدام از آن ها در پیشگیری از جرایم کودکان می توانند نقش به سزایی داشته باشند. خانواده یکی از مهمترین این شیوه ها می باشد. بررسی های مختلف نشان داده است که محیط خانواده رابطه مستقیمی با بروز رفتار بزهکارانه و انحرافی دارد. بزهکاران اغلب دارای والدینی نامناسب و محیط خانوادگی متشنج و از هم گسیخته هستند. این افراد اغلب در برابر والدین مقاومت می کنند. وضع خانوادگی و محیط عاطفی از عوامل بسیار مهم در بروز بزهکاری می باشند. وقتی که در خانواده ای همبستگی بین افراد وجود نداشته باشد و فرد فاقد روابط عاطفی صحیح باشد، بروز رفتارهای بزهکارانه قابل پیش بینی است. اختلافات والدین نیز آثار بسیار سوئی در فرد به جای می گذارد. در واقع ریشه رفتارهای بزهکارانه نوجوانان و جوانان را می توان در همین تنش های خانوادگی یافت. محرومیت والدین نیز می تواند شرایطی را به وجود آورد که زمینه مساعدی برای بروز بزهکاری باشد. اولین و مهمترین فاکتور برای والدین در رابطه با اطفال خویش محبت و عاطفه است زیرا این دو عامل از عوامل مهم و بنیادی در

رشد جسمی و روانی اطفال به حساب می آید. کمبود محبت سبب بروز اختلال روانی فاحش و انواع انحرافات اجتماعی گردیده که در چندین نسل اثر می گذارد. طفلی که از محبت والدین به دور باشد خود را از خانواده و جامعه طرد شده می داند و حس انتقام جویی یافته و با انجام انحرافات اخلاقی و اجتماعی احساس رضایت خاطر می نماید. مادر اولین شخصیتی است که در زندگی یک طفل موثر قلمداد می شود و از لحاظ محبتی می تواند تاثیر بسزایی در طفل بگذارد، پدر نقش دوم را ایفا می کند و پدر با حس تحکم و قدرت در محیط کوچک خانواده می تواند به همراه مادر به طفل بیاموزد که چگونه از قوانین و مقررات آمره در جامعه تبعیت نماید و هرگاه پدر این حس تحکم را اعمال ننماید طبعاً قواعد آمره در جامعه نیز برای طفل مهم نمی باشد و بالطبع طفل بی بند و بار تربیت شده و برای اجتماع خطرناک خواهد بود. آنچه در درجه اول مورد اهمیت قرار دارد اهمیت داشتن رعایت قوانین برای پدر و مادر می باشد. برای اینکه قوانین به نحو درستی در اطفال و نوجوانان نهادینه شوند باید اعضای یک خانواده قوانین و مقررات جامعه را رعایت نمایند.

اولین قدم برای پیشگیری از بزهکاری آنان باید از خانواده برداشته شود. سعی شود که خانواده ها چه از لحاظ اقتصادی چه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی تحت حمایت قرار بگیرند. دارا بودن خانواده نابهنجار زمینه مساعدی است برای درگیری در بزهکاری پس با حمایت و تقویت بنیه این خانواده ها نیز می توان آن ها را از بحران نجات داد. بعد از محیط خانواده مهمترین محیط تربیتی مدرسه است که در واقع یکی از مراکز مهم اجتماعی کردن فرد بعد از خانواده به شمار می آید. متأسفانه مدارس ما آموزش های ضروری از جمله آموزش مهارت های زندگی را به افراد نمی دهند، بنابراین کودکان توانایی های لازم را برای روبه رو شدن با مسائل زندگی را ندارند.

پیشگیری پلیسی نیز یکی از رویکردهای با اهمیت در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به شمار می رود. پلیس برای این کار می تواند همکاری متنوعی با مدارس داشته باشد و می تواند اقداماتی انجام دهد تا از طریق مدارس خانواده ها نیز در روند کار قرار بگیرند جلساتی در مدارس برگزار نماید و در مورد انواع جرایم صحبت نماید و بروشورهایی تهیه کرده و در اختیار مدارس قرار دهد.

برای مقابله علمی و منطقی با این معضل اجتماعی ضروری است که آن را به خوبی بشناسیم و چنین حرکتی قطعاً مستلزم شناخت درست، ژرف و عمیق از کودک و نوجوان و جامعه تلقی جامعه نسبت به این قشر و عوامل بزهکاری آنان می باشد که این امر هم تنها با انجام تحقیقاتی که بر مبنای روشن و قواعد صحیح صورت گرفته باشد میسر است. بحث در مورد نحوه پیشگیری از جرایم کودکان و نوجوانان بسیار زیاد می باشد و مهمتر از این مباحث به اجرا گذاشتن برنامه ها می باشد و این نیازمند همکاری وسیعی از نهادها و آحاد جامعه می باشد.

ب : سوال تحقیق

کدام یک از رویکردهای پیشگیری در پیشگیری از بزهکاری کودکان مؤثرتر می باشد؟

ج : فرضیات

پیشگیری اجتماعی یکی از مؤثرترین رویکردها در پیشگیری از بزهکاری کودکان می باشد.

د : انگیزه و اهداف تحقیق

یکی از مسایل بغرنج و ناراحت کننده امروزی که توجه بسیاری از جامعه شناسان، جرم شناسان، روان شناسان و متخصصین امر را به خود معطوف داشته، موضوع مجرمین کم سن و سال و یا به اصطلاح اطفال و نوجوانان بزهکار می باشد که در اکثر کشورهای جهان اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه به صورت یک مسأله حاد تربیتی و علمی در آمده است. علی رغم بهبود وضع زندگی و معیشتی و ازدیاد سریع مؤسسات خدمات اجتماعی جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان نه تنها کاهش نیافته بلکه با سرعت و آهنگ بیشتری در حال گسترش و تزايد است. با توجه به این امر محققان و جرم شناسان در صدد چاره جویی بر آمده و تلاش وسیعی را برای شناسایی علل و عوامل مؤثر در بزهکاری و پیشگیری از آن آغاز نموده اند، اما در عمل ملاحظه می کنیم که فایده چندانی نداشته و اطفال و نوجوانان بیشتری در معرض فساد و تباهی اخلاقی قرار می گیرند، متأسفانه تحقیقات بسیار کمی در مورد روش های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان صورت گرفته است. در تحقیقات انجام شده علل بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است و در واقع علل زمانی مورد بررسی قرار گرفته اند که کودک مرتکب بزهکاری شده

است. با بررسی این عوامل می توان دریافت همان طور که این عوامل می توانند زمینه ای برای بروز رفتار های مجرمانه باشند از بین بردن این عوامل می توانند عاملی برای جلوگیری از بروز بزهکاری هم باشند.

نگارنده به دلیل اهمیت موضوع و مبتلا به بودن جامعه ما، و ارتباط همه جانبه موضوع با حوزه های فرهنگی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی جامعه و همچنین قابل استفاده بودن این تحقیق در جهت برخورد و مواجهه با مسائل تربیتی کودکان و نوجوانان در سطح خانواده، مدرسه، اجتماع و آشنایی بیشتر با راههای پیشگیری از آن و همچنین ارائه پیشنهادهایی به نهادها و مراجع مسئول در خصوص کودکان و نوجوانان، موضوع مذکور را جهت پایان نامه انتخاب نمودم. امید است که این تحقیق با وجود نقائص و کاستی های آن، در جهت آشنایی با رویکردهای مختلف پیشگیری از بزهکاری اطفال مفید واقع گردد.

ه : سابقه تحقیق

بی شک در مورد علل و عوامل ارتکاب جرم کودکان و نوجوانان مطالب بی شماری نوشته شده است. و چندین کتاب و مقالات فراوانی در این باب وجود دارد ولی با توجه به مطالعاتی که اینجانب انجام داده ام علل ارتکاب جرم از سوی کودکان به صورت کلی بیان شده است و هر نویسنده و جرم شناسی بر روی یک عامل تاکید داشته و به مطالعه و بررسی آن پرداخته است. با توجه به فعالیت هایی که در این مورد صورت گرفته برای پیشگیری از وقوع جرم با این حال ما مشاهده می نمایم که آمار کودکان بزهکار بالا می باشد. این افزایش آمار نشان دهنده این است که فعالیت هایی که در مورد آنان انجام می شود کافی نیست و همچنین مطالعات صورت گرفته نیز ناقص می باشد پس لازم است از سوی جرم شناسان و محققان تحقیقات بیشتر و منسجم تری انجام شود. متأسفانه اغلب کتب و تألیفاتی که در کشور ما در این زمینه منتشر شده است ترجمه کتب خارجی هستند که گاهی اوقات هیچ سنخیتی با جامعه ما ندارند و تحقیقات صورت گرفته در کشور ما بسیار اندک بوده و بیشتر آنان به صورت مقطعی و سطحی نگر هستند. که علت این امر را شاید بتوان مشکلات و موانعی دانست که ذکر می شود.

و : مشکلات و موانع

عدم همکاری مسئولین، عدم حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و محققین در این زمینه، سختی و مشقت زیاد این قبیل تحقیقات، نداشتن آمارهای صحیح و عدم وجود مؤسسه و سازمان خاص برای این منظور دانست.

ز: روش تحقیق

روش انجام این تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی بوده و اینجانب از کتب و مقاله های نوشتاری موجود در کتابخانه ها و در اینترنت و پایان نامه های موجود در این زمینه را مورد مطالعه و استفاده قرار داده ام.

فصل اول: کلیات

مبحث اول : واژه شناسی و مفاهیم

در این مبحث مفاهیم اصطلاحی و لغوی طفل و پیشگیری تعریف شده است. مبحث اصلی این پایان نامه بر محور کودک می باشد، پس باید به طور دقیق مشخص شود که منظور ما چه کسی و چه سنی را شامل می شود و چه خصوصیتی از لحاظ جسمی دارد. مفاهیم را می توان در دو حیطه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار داد.

گفتار اول : مفهوم طفل

الف : مفهوم لغوی طفل

طفل در لغت به معنی بچه، کودک و نوزاد آمده و جمع آن اطفال است. و کودک صغیر یا فرزند که به حد بلوغ نرسیده (دختر یا پسر) را گویند. کلمه صبی و صغیر نیز مترادف آن می باشد.^۱

در فرهنگ نفیسی آمده است که کودک، طفل یا نوزاد و بچه کوچک از انسان است، و نیز طفل، کوچک و خرد از هر چیزی است و...^۲

طفل از نظر لغت به نوزاد گفته می شود و نوزاد هر حیوان وحشی را نیز طفل می گویند.^۳

طفل خرد و ریزه هر چیزی، نوزاد از مردم و جانوران وحشی را گویند.^۴

طفل به نوزاد گفته می شود تا زمانی که خردسال است و جمع آن «اطفال» می باشد.^۵

ب : مفهوم اصطلاحی طفل

۱ . محمد معین، فرهنگ فارسی معین، چاپ هفتم، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷)، ج دوم، ص ۲۲۲۸.

۲ . علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی (تهران: افست مروی از انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳)، ج دوم، ص ۲۲۴۹.

۳ . اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه [تهران: امیری، ۱۳۶۸]، ج پنجم، ص ۱۷۵۱، «الطفل: المولود، و ولد کل وحشیه ایضاً طفل».

۴ . لوئیس معلوف، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه احمد سیاح، چاپ پنجم، [تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۴]، ج دوم، ص ۱۱۶۹.

۵ . حسن بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه مفردات الفاظ القرآن (تهران: انتشارات سبحان، ۱۳۸۵)، ص ۳۰.

در اصطلاح فقهی: مرحوم امام خمینی در تحریر الوسیله در تعریف صغیر می نویسد: صغیر کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.^۱

در اصطلاح حقوقی: در فرهنگ حقوقی آمده است: طفل، صغیر را گویند.^۲

ترمینولوژی حقوق صغیر ممیز و غیر ممیز را این گونه تعریف کرده است:

صغیر ممیز: صغیری که نفع و ضرر در دادوستد را مانند اشخاص عاقل و بالغ تشخیص می دهد. اگر صغیر دارای این صفت نباشد او را صغیر غیر ممیز می نامند.^۳

دکتر امامی در تعریف صغیر گفته اند: صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو

جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد.

ایشان دو قسم صغیر را از یکدیگر تفکیک کرده اند:

۱- صغیر غیر ممیز: آن کسی است که قوه تشخیص سود و زیان و آثار و احکام مهم عقود

و ایقاعات را ندارد مانند کودکان شیرخوار و بچه های هشت و نه ساله که نمی توانند معنی هبه، بیع و معاوضه را بفهمند و بین آن ها فرق بگذارند و سود و زیان آن اعمال را بدانند.

۲- صغیر ممیز: آن کسی است که می تواند عقود و ایقاعات را از یکدیگر تشخیص بدهد

و سود و زیان و همچنین آثار و احکام مهم آن را بداند.^۴

دکتر صفایی در حقوق مدنی در تعریف صغیر ممیز و صغیر غیر ممیز چنین می نویسد:

صغیر غیر ممیز شخص نابالغی است که دارای قوه درک و تمیز نیست، زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص نمی دهد و نمی تواند اراده حقوق داشته باشد، لیکن صغیر ممیز فردی است که دارای قوه درک و تمیز نسبی است، با این که به بلوغ نرسیده، زشت را از زیبا و سود را از زیان باز می شناسد و می تواند اراده حقوقی داشته باشد.^۵

در این خصوص دکتر کاتوزیان، کودکان را از نظر رشد فکری و درجه حجر به دو گروه

تقسیم کرده است: کودکی که هنوز توانایی فهم معامله را ندارد و قانون به حکم طبیعت اثری بر

۱. روح الله موسوی خمینی، **تحریر الوسیله** (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ه.ق)، ج دوم، ص ۱۲.

۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ هفتم، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴)، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۴۰۶.

۴. حسن امامی، **حقوق مدنی**، چاپ دوازدهم، (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲)، ج پنجم، صص ۲۴ و ۲۵.

۵. حسین صفایی و مرتضی قاسم زاده، **حقوق مدنی اشخاص و محجورین** (تهران: [بی نا]، ۱۳۷۵)، ص ۱۷۵.

اعمال و گفتار او بار نمی کند را غیر ممیز و طفلی که شعور کافی و قدرت اراده کرده را دارد و به خاطر حمایت از او و ایجاد انضباط در خانواده محجور شده است را ممیز گویند.^۱

بنابراین، طفلی که عمل خلاف قانون را مرتکب شد نمی توان مسئول و قابل مجازات دانست زیرا طفل اصولاً فاقد قوه تمیز است و قادر به پیش بینی عمل مجرمانه خود نمی باشد؛ بنابراین شناخت قوه تمیز از لحاظ سیاست جنایی اهمیت دارد. واژه «تمیز» عبارت است از تشخیص خیر و شر و نفع و ضرر، چنین کسی که به سن کبر نرسیده باشد غیر ممیز گفته می شود.

در اصطلاح جرم شناسی: طفل یا نوجوان بزهکار فردی است که شخصیت وی در حال شکل گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است؛ در حالی که شخصیت بزهکار بزرگسال، قبلاً شکل گرفته و چندان در خور تحول نیست.^۲

در اصطلاح روانشناسی: طفولیت دربردارنده دورانی است که از اوایل خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شرایط اجتماعی می شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می گیرد، پایان می پذیرد.^۳

در اصطلاح جامعه شناسی: جامعه شناسان معتقدند کودک فردی است که «دوره تکوین اجتماعی ویژه ای را می گذراند تا به مرحله رشد و ادراک صحیح اجتماعی برسد، دوران کودکی و نوجوانی تا وقتی که این دوره به مرحله پختگی و ادراک صحیح از مسائل اجتماعی بپیوندد، ادامه دارد. در این دوره از سنین انسان در حال تمرین و آزمایش است تا بتواند خود را با اجتماع هماهنگ سازد و با مردم در آمیزد. در این دوره است که کودک با تجارب اکتسابی از اجتماع مجهز می گردد. البته کودک از نظر جامعه شناسان با شخص بالغی که عناصر جسمی او تکامل یافته است تفاوت دارد. در نظر جامعه شناسان دوره کودکی و نوجوانی زمانی خاتمه می یابد که انسان پشتوانه ای از تجارب و آزمایش های علمی فراهم آورده باشد و با این اندوخته های تجربی بتواند راه اجتماعی خود را با اتکا به شخصیت خویش ادامه دهد».^۴

۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی قواعد عمومی قرار دادها، چاپ دوم، (تهران: انتشارات به نشر، ۱۳۶۹)، ج دوم، ص ۱۷.

۲. ریموند گسن، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۴)، ص ۲۳۱.

۳. محمد تقی براهنی، لغت نامه روانشناسی (تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳)، ص ۴۱.

۴. ناصر صنیعی، "بررسی و شناخت بزهکاری اطفال در ایران" (رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶)، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

البته در حقوق داخلی کشورها سن معینی برای طفل در نظر گرفته می شود که نشان دهنده رشد جسمی و روحی است. از نظر حقوقی تعیین حدود سنی برای تعریف طفل و نوجوان از ابزارهای کلیدی است. اگر تعیین حدود بلوغ و تغییرات بدنی در جریان تحول، کار نسبتاً آسانی است، به عکس تعیین دقیق سرحدات نوجوانی از نظر روانی که از مرزهای بلوغ جسمانی فراتر است امری پیچیده و مشکل است.

ج: مفهوم طفل در قوانین داخلی

به دلیل اطاله کلام در این جا فقط مفهوم طفل را در قوانین بعد از انقلاب مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مفهوم طفل در قوانین بعد از انقلاب

قانونگذار پس از انقلاب اسلامی، از مقررات سابق ناظر بر تعریف تلویحی طفل عدول نموده، با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و سپس با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و با تأسی از منابع فقه و شرع و ترجمه عبارت معروف «رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم» به ترتیب مبادرت به انشاء و تحریر مواد ۲۶ و ۴۹ نمود. که مضمون هر دو ماده چنین است: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری می باشند و ... سپس در تبصره یک ماده ۲۶ قانون سال ۱۳۶۱ و نیز تبصره یک ماده ۴۹ قانون ۱۳۷۰ طفل را کسی می داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

از آنجا که قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ حد بلوغ شرعی را تعریف نکرده است، برای تعیین آن ناگزیریم به تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی (سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است) مراجعه نماییم. با توجه به این تبصره، طفل در قانون مدنی تعریف واحدی ندارد و حسب جنسیت تفاوت پیدا می کند. به عبارت دیگر، حدود مسئولیت اطفال در حقیقت با جنسیت آنها در ارتباط است. همچنین عنوان کودک و نوجوان با یک عبارت کلی و عام به دو صیغه تعبیر می شود و جداسازی کودکان و نوجوانان، در قوانین فعلی ما موجود نیست.^۱

۱. رضا نوربها، "مسئولیت جزایی اطفال و مجانین در قانون راجع به مجازات اسلامی"، تحقیقات حقوقی، ۹ (بهار و تابستان ۱۳۷۰): ۳۲